

خرده روایت‌هایی از زیارت اربعین

پادشاهان پیاده در مسیر حسین (ع)



احسان سالمی

روزنامه‌نگار

«پادشاهان پیاده» حاصل ثبت و ضبط گوشه‌ای از این خاطرات جالب و ویژه است؛ خاطره‌هایی با لحن‌ها و زبان‌های مختلف از آدم‌هایی که از سراسر جهان به عشق سیدالشهدا (ع) گرد هم آمده‌اند. در «پادشاهان پیاده» همه‌چیز آدمی در ارتباط با رابطه‌اش با امام حسین (ع) صحبت کرده است؛ از آدم‌های خیلی معتقد و مومن گرفته تا آنها که به اعتراف خودشان پیش از این سفر خیلی هم اعتقادات سفت و محکمی نداشتند. پادشاهان پیاده از غربی‌ترین نقاط کره زمین یعنی شمال قاره آمریکا تا همین شهرهای مختلف ایران راوی دارد؛ راویانی با قصه‌های مختلف که خواندن هر کدام شما را

با دریایی از معجزات و کرامات اهل بیت (ع) آشنا می‌کند. پادشاهان پیاده البته نقص‌هایی هم دارد که شاید یکی از اصلی‌ترین آنها عدم برقراری توازن در روایت برخی خاطرات و اطناب کلام در برخی از این روایت‌هاست. بهزاد دانشگر و محمدعلی جعفری، دو گردآورنده این کتاب سعی کرده‌اند لحن گوینده خاطرات را برای ایجاد پیوندی قوی‌تر میان مخاطبان با اثر حفظ کند؛ مساله‌ای که در بعضی موارد جواب ن داده و البته در خیلی از موارد نیز باعث استحکام ارتباط حسی و عاطفی مخاطب با اثر می‌شود.

سفر که معمولی نباشد، طبیعتاً خاطرات آن هم معمولی نیست. اربعین یک سفر خاص و غیرعادی است؛ سفری خاص با خاطراتی خاص که احتمالاً شانس تجربه آن در هیچ سفر دیگری وجود نداشته باشد؛ نه فقط از بابت سخت بودن شرایط مسیر سفر، بلکه به واسطه حال و هوای منحصر به فرد آن که در هیچ سفری نمی‌توان نمونه آن را مشاهده کرد.

اطلاعات فوری

عنوان: پادشاهان پیاده
نویسندگان: بهزاد دانشگر و محمدعلی جعفری
ناشر: عهد مانا
تعداد صفحات: ۳۱۲
قیمت: ۳۱ هزار تومان
پیش‌بینی زمان مطالعه: ۶ تا ۸ روز

خاطره شیرین یک زائر شیرازی منم شیخ مجتباب!



حسین جوان ۲۳ ساله شیرازی یکی دیگر از راویان این کتاب است که خاطره جالب خود از این سفر را این گونه نقل می‌کند: «آقا من هر چه خاطره دارم از کربلا و امام حسین (ع) وقتی تعریف کنم خنده‌ها می‌گیرد. اصلاً مدل ما این طوری است. امام حسین (ع) بین این همه زوارش چند تایی خل و چل داشته باشد؟ یک بار آمدیم عراق دیدیم با هر کدام از این عراقی‌ها صحبت می‌کنیم، هی می‌گویند این شیخ احمد، این شیخ محمود. ما هم گفتیم: «خب منم شیخ مجتباب». دیدیم اوه چه احترامی می‌گذارند. چند روز گذشت تا این که یک روز گفتند امروز شیخ احمد برایش مشکلی پیش آمده و گفته شیخ مجتباب امروز بایستد برای نماز. هر چی بالا و پایین کردم دیدم نمی‌شود نماز بندگان خدا را خراب کنم. گفتم: «آقا من دروغ گفتم... شکر خوردم... من شیخ نیستم». دلخوردن ما نیم ساعت بعد برگشتند و گفتند تو به ما دروغ گفتی، تو شیخ هستی! عکسی توی گوشی آنها بود از چند ماه قبل. بین رفقا داشتیم شوخی می‌کردیم و من لباس یکی‌شان را که طلبه بود، پوشیدم و عکس انداختم. حالا هم توی گوشی رفیقم بود. گفتم: «ای تو روح محسن...».

خادمانی بی‌ادعا

با چند دستکش و کیسه زباله

لحظه خاص

استجابت دعا

چند سال پیش بود که یکی از چهره‌های مدیریتی با انتشار پستی کاملاً سیاسی، غیراخلاقی و کنایه‌وار خطاب به زائران سیدالشهدا (ع) در اربعین از کیف شدن مسیر عبور زائران گلایه کرده بود؛ حالا شاید بد نباشد خاطره یکی از حاضران در این سفر خاص را که جوانی ۳۰ ساله از یزد است درباره گروه‌های داوطلب تمیز کردن مسیر زائران اربعین از کتاب «پادشاهان پیاده» بخوانیم: «اولین مرتبه که می‌خواستیم در پیاده‌روی اربعین شرکت کنیم، دوستان طرحی به ذهنشان رسیده بود برای نظافت مسیر و جمع کردن آشغال‌های سطح جاده؛ طرح «جای پای یار». قبول کردم و همراهشان رفتم. تنها ابزارمان تعدادی دستکش بود که بردیم. هر چه روزها می‌گذشت، حجم زائر زیاد می‌شد تا جایی که دیگر از پس کار بر نمی‌آمدیم؛ یعنی اکثراً طوری بود که هنگام شب دوستان بعد از خوردن شام تا ساعت یک و دو شب زباله جمع می‌کردند. حجم التماس دعاها خیلی زیاد شده بود؛ شفاهی می‌گفتند یا پیامکی و از طریق شبکه‌های اجتماعی می‌نوشتند که یادم نرود. اینها را می‌گذاشتم وقتی خوراها آشغال ریخته بود و باید با دست همه را جمع می‌کردم و سرتاپایم کیف شده بود، دعایشان می‌کردم. به نظر خودم در این لحظه که آدم خودش را خوار و خفیف کرده و در آشغال‌ها می‌لولد، وقت استجابت دعاست و ردخور ندارد.»

عشاق الحسین (ع) از همه جای جهان می‌آیند

دور همی یاران مهدی (عج)



مواجهه زائران غیرعرب زبان با زائران ایرانی هم اتفاقات و خاطرات جالبی دارد؛ یکی از زائران تایلندی اربعین خاطره خود را برای گردآورندگان پادشاهان پیاده این گونه شرح می‌دهد: «بعضی‌ها اصلاً نمی‌دانند تایلند شیعه هم دارد. فکر نکنید تایلند فقط چیزهای بد دارد. بروید منطقه مسلمانان ما. شیعه هم هست آنجا. اصلاً چرا تایلند را ول کردیم آمدیم قم پیش حضرت

معصومه (س)؟ پیش امام رضا (ع) در مشهد؟ قشنگ‌ترین جای کشور ما، برایمان به قشنگی این موکب نیست؛ چون اینجا کنار امامان هستیم. چون اینجا کنار بقیه شیعه‌هاییم از همه دنیا. اربعین غیر از ارتباط با امام حسین (ع) و امام زمان (عج) این خوبی‌ها را هم دارد. امروز امام حسین (ع) ما را جمع کرده در اینجا. ما از تایلند آمدیم، دیگری از اندونزی، امام زمان (عج) ما را اینجا جمع کرده تا ما آشنا بشویم. این اتفاق حتماً ارتباط دارد با ظهور امام زمان (عج). وقتی می‌خواهیم بیاییم کربلا، بیشتر اقوام می‌گویند خطرناک است، امنیت نیست، ولی مادر آرام‌اند، می‌گویند من شما را می‌سپارم به امام. پدرم می‌گویند من شما را قربانی می‌کنم در راه خدا. پروا!»

